

عکاسی مستند^(۱) در این سالها در پی سندیت

بخشیدن به واقعیت‌های اجتماعی بوده است. پیام عمدتاً اجتماعی این دسته از عکس‌ها، ما را با فرهنگ‌ها و سنن مختلف آشنا کرده و در پی ترویج منش‌ها، سلوک، آیین و تمامی خصوصیات است که به یمن «واقعی بودن» این نوع عکاسی، تأثیر شگرفی بر باور تماشاگر نیز می‌گذارد.

در این میان، حضور عکاسان در مکان‌های خاص - مکان‌هایی که امکان عکاسی در آن به سادگی مهیا نیست - ارزش‌های بیشتری برخوردار است.

آنچه در وهله نخست، در برخورد با چنین عکس‌هایی اهمیت دارد، قدرت پیدا و پنهان عکاس در کارگردانی غیر مستقیم صحنه است. این که او به چه «انتخاب»‌هایی دست می‌زند؟ آیا تسلیم شرایط می‌شود، یا در پی ایجاد بداعت‌های خاص تصویری خویش است؟

پاسخ به این سوالات، گوشه‌هایی از هنر «حسن توکلی»، عکاس پیش‌کسوت خراسانی را، در این اثر تبیین می‌کند که در ادامه به تفکیک این خصوصیات می‌پردازیم.

رمزگشایی تصویر

چیزی که عکس را متمایز می‌کند و موجب می‌شود در ژرفای لایه ساده و مستند عکس به دنبال معنایی خاص روانه شویم، تقابلی است که میان دو کاراکتر عکس (کبوترها و زائران) رخ داده است. در عکس، کبوترها ثابت‌اند و آدم‌ها در پرواز. در حقیقت، رمزگان این عکس، در همین نکته نهفته است: جابه‌جایی نقش پرندگان و آدم‌ها!

نگاه به عکسی از حسن توکلی

جابه‌جایی نقش پرندگان و آدم‌ها!

کیانگ علایی

پزندگانی که عمدتاً آن‌ها را در پرواز می‌بینیم، حالا به صورت ثابت و یخ‌زده، ثبت شده‌اند و آدم‌ها، گویی در حال پروازند. این تصویرسازی ذهنی خوب، از اندیشه پیش از عکاسی خبر می‌دهد و تیزهوشی و خلاقیت حسن توکلی را در ثبت مستند از مکانی بسیار دشوار، تبیین می‌کند. علاوه بر این، خصوصیت کبوتران را به زائران تعمیم می‌دهد و بدین طریق، پیام عکاسانه خود را به تماشاگر القا می‌کند.

رنگ

تقابل فیروزه‌ای، سبز و زرد، چرخه‌ای از رنگ‌های اولیه و ثانویه را به نمایش می‌گذارد که خصوصیات خود را به یکدیگر وام می‌دهند. این چرخه، باعث ایجاد وحدت در رنگ‌های عکس می‌شود.

درجه اشباع خوب رنگ^(۲) در این عکس، حاصل دو مساله فنی است. اول: انتخاب سرعت شاتر پایین و نوردهی بلند مدت^(۳) به جهت اکسپوزی خاص در حساسیت کم فیلم.

دوم: انتخاب آگاهانه دیافراگم‌های کوچک، جهت عمق‌بخشی به صحنه و کنترل مناسب کنتراست و همین‌طور ستاره‌ای ثبت کردن منابع نور.

رنگ تولید شده در عکس، فضایی سرشار از باور و ایمان را به ما القاء می‌کند.

زاویه دید

زاویه انتخابی عکاس در این اثر را نمی‌توان در خوانش عکس بی‌تأثیر دانست. نگاه از بالا رو به پایین به سوژه^(۴)، موجب ایجاد یک نقشه کلی می‌شود و در حقیقت، موقعیت هندسی مکان را به رخ می‌کشد. بر این اساس، دقت کنید به نسبت جالب توجه سازه هرمی شکل وسط قاب و نسبت خرد و کوچک آدم‌ها به صورت پراکنده در اطراف آن.

سازمان دهی تصویر

زوایایی که از بالا به موضوع می‌نگرند، تسلط عکاس را بر صحنه دوچندان کرده و امکان ترکیب‌بندی‌های آراسته‌تری را به او می‌دهند.

در این عکس، نظام بصری متکی بر «کمان»‌ها بنا شده است: شش کمان کامل (سه کمان در داخل آبخوری، دو کمان در ورودی‌های پس زمینه و یک کمان خود ساختار آبخوری) و چند کمان برش خورده، جای‌جای قاب را آراسته‌اند و در حقیقت، تصویری تولید کرده‌اند که متکی بر آرایه‌های معماری اسلامی است و نخستین مولفه‌های این معماری را به نمایش می‌گذارد. بر این اساس، با عکسی نرم و گیرا روبرو هستیم که نظام خطوط کمانی آن، انرژی و نیروی مثبت فراوانی را به چشمان مخاطب روانه می‌کند. نکته مهم‌تر، در چینش قاب نهفته است. بنگرید به این که، حضور سیال آدم‌ها در میان این کمان‌ها جاری است و گویی این کمان‌ها هستند که محور و عامل این سیالیت‌اند!

هدف و موخره

عکس‌هایی که در ورای شکل مستند خود قادرند خصوصیات فضا/زمانی را از صحنه به تماشاگر انتقال دهند، بی‌تردید به توفیقی قابل قبول رسیده‌اند. در این عکس نیز احساس شور، شغف و گم‌گشتگی آدم‌ها در حرم امام رضا (علیه‌السلام)، به خوبی توسط مولفه‌های بصری منتقل می‌شود.

پی‌نوشت‌ها:

1/ Documentary Photography

2/ Saturation

3/ Long Exposure

4/ High Angle

